

درس 3

«جهان علی و معلولی»

انسان از «کودکی» روحیه پرسشگری دارد و به دنبال «چیستی و چرایی» اشیاست.

انسان از ابتدای ظهور دنبال یافتن علل پدیده ها بوده است

رابطه علت

1- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی است

2- «شاید» نخستین مسئله ای است که فکر بشر را به خود متوجه کرده است

سوالات

1- علت و معلول چیست؟ با مثال بنویسید.

پاسخ: علت: چیزی است که به معلول وجود می دهد و وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد معلول هم پدید نمی آید یعنی در وجود خود به آن نیازمند است.

معلول: چیزی است که وجودش را از چیز دیگر - که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است

مثال: «آب در 100 درجه حرارت می جوشد» حرارت 100 درجه - علت جوشیدن آب - معلول

در این مثال جوشیدن آب نیازمند حرارت است و تا 100 درجه حرارت نباشد آب به جوش نمی آید و وجودش وابسته به حرارت است و حرارت نیز علت و به وجود آورنده آب جوش است.

2- تفاوت رابطه علت با سایر روابط چیست؟

پاسخ:

رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را «رابطه علت» می گویند.

زیرا وجود یکی ضرورتاً وابسته به دیگری است و یک طرف که همان علت باشد، به طرف دیگر (معلول)، وجود می دهد

به عبارت دیگر: علت نباشد معلول به وجود نمی آید

3- کدام سوال بازتاب و نشانه رابطه علت است؟

پاسخ: سوال «چرا»

نکته:

تفاوت رابطه وجودی (علت) با روابط دیگر آن است که در رابطه علت یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) ، وجود می دهد اما در سایر روابط، رابطه، بعد از وجود دو طرف شکل می گیرد و هیچکدام در وجود دیگری نقشی ندارد.

مثلاً در رابطه استاد و شاگرد که رابطه تعلیم است، هیچ کدام در وجود و هستی دیگری نقشی نداشته اند و به اصطلاح وجود دهنده نبوده اند.

در مثال های زیر مشخص کنید کدام روابط وجودی است و کدام روابط وجودی نیست. (علیت و غیر علیت)

1- رابطه زمین و اشیای روی آن

2- رابطه حرارت و انبساط فلزات

3- رابطه کار فرما و کارگر

4- رابطه اجزای یک ساعت

پاسخ: 1- رابطه غیر وجودی 2- رابطه وجودی یا علیت

3- رابطه غیر وجودی 4- رابطه غیر وجودی

دیدگاه های مختلف در باره «چگونگی درک رابطه علیت»

در واقع این دیدگاه ها در پاسخ به این سوالات مطرح شده است:

1- انسان چگونه متوجه رابطه علیت شده و آن را پذیرفته است؟

2- او از کجا دریافته که اگر علت یک چیز موجود باشد ضرورتاً و حتماً معلول آن هم موجود می شود؟ ضرورت و حتمیت آن معلول را بعد از علت چگونه در می یابد؟

3- آیا درک رابطه علیت مادر زادی است یا اکتسابی؟

4- رابطه علیت با چه ابزاری درک می شود؟ (عقل- حس...)

در این درس دیدگاه الف- فیلسوفان اروپایی وب- فلاسفه مسلمان مطرح شده است.

الف- دیدگاه فیلسوفان اروپایی:

فیلسوفان اروپایی با توجه به اینکه 1- عقل گرا باشند یا 2- حس گرا و یا 3- هم عقل را پذیرفته باشند و هم حس و اینکه چه ابزاری را در شناخت معتبر بدانند، در باره «اصل علیت» دیدگاه های متفاوتی دارند.

1- فلاسفه عقل گرا:

دکارت:

سوال؟ به نظر دکارت اصل علیت چگونه درک می شود؟

دکارت معتقد بود که اصل علیت:

الف- بدون دخالت تجربه به دست می آید ب- جز مفاهیم اولیه و بدیهی است (نیاز به دلیل ندارد)

ج- انسان از آن درک فطری دارد؛ یعنی هر انسانی با درکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به آموزش و تجربه ندارد اما یافتن مصداق های علت و معلول نیاز به آموزش و تجربه دارد.

توضیح:

درک این مسئله که هر پدیده علتی دارد، فطری است.

یافتن مصداق نیازمند آموزش و تجربه: مثلاً علت انبساط فلزات حرارت است که از تجربه و آموزش در حیطه علوم تجربی به دست می آید.

2- تجربه گرایان:

بررسی نظر (آمپریست ها)- از فیلسوفان تجربه گرا بررسی نظر دیوید هیوم

سوال؟

نظر آمپریست ها در باره اصل علیت چیست؟

پاسخ:

آمپریست ها چون هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس «به توالی پدیده ها» پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.

توضیح: توالی یعنی در پی یکدیگر آمدن ؛ یعنی وقتی ما می بینیم (حس) یک پدیده به دنبال پدیده دیگر اتفاق می افتد از یکی برای دیگری تعبیر به علت می کنیم.

مثلاً : چون انسان دیده که همیشه با آمدن خورشید زمین روشن شده و با ناپدید شدن آن تاریک، متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته تا خورشید نیاید زمین روشن نمی شود و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.

توجه و سوال

تفاوت دیدگاه دکارت و آمپریست ها در رابطه با منشا درک رابطه علیت چیست؟

پاسخ:

به نظر دکارت منشا درک علیت درونی و فطری است اما آمپریست ها منشا درک را در عالم خارج و توالی پدیده ها می جویند.

دیدگاه هیوم (تجربه گرا) در باره اصل علیت:

هیوم که اساساً تجربه گراست نظر خاصی در این زمینه دارد :

سوال؟

دیدگاه هیوم در باره اصل علیت چیست؟

الف- او «امکان معرفت و درک علیت» را از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند

ب- اما معتقد است اصل علیت از طریق حس و تجربه هم ممکن نیست زیرا فراتر از حس است و محسوس نیست تا با حس درک شود

ج- او منشا اعتقاد به علیت را یک «عادت ذهنی» یعنی «امر روانی ناشی از توالی پدیده ها» می داند

سوال ؟

این سخن هیوم را توضیح دهید. « منشا اعتقاد به علیت یک امر روانی ناشی از توالی پدیده هاست.»

پاسخ: منظور هیوم این است چون همواره ما یک پدیده را به دنبال پدیده دیگر مشاهده کرده ایم، ذهن ما عادت کرده که یکی را علت بنامد و دیگری را معلول در صورتی که رابطه ای جز به دنبال هم آمدن دو پدیده «توالی» نیست.

مثلاً وقتی باد می آید، می بینیم که شاخه درخت حرکت می کند، و چون این دو پدیده همواره به دنبال یکدیگر می آیند، ذهن عادت کرده که از آن تعبیر به علت کند.

نکته قابل دقت در سوالات تست : هیوم مستقیماً اصل علت را انکار نکرده بلکه می گوید فراتر از حس است و با حس قابل شناخت نیست و چون معیار شناخت را حس می داند، اصل علت را که درک آن از طریق حس ممکن نیست به عنوان یک اصل «عقلی» نمی پذیرد. چون عقل گرا نیست

سوال؟

تفاوت دیدگاه آمپرست ها با هیوم در رابطه با درک علت چیست؟

پاسخ: آمپرست ها معتقدند انسان می تواند با درک توالی پدیده ها (پشت سر هم آمدن) از راه حس، «اصل علت» را بنا نهد؛ اما هیوم معتقد است توالی پدیده یک امر روانی است که ذهن را عادت می دهد از آن برداشت علت کند در صورتی که چیزی جز توالی و پشت سر هم آمدن دو پدیده نیست. در واقع آمپرست ها معتقدند از طریق «توالی» می توان اصل علت را بنا نهاد اما هیوم معتقد است «توالی» ما را به اصل علت نمی رساند.

3- هم عقل و هم حس: (کانت)

توجه: دیدگاه کانت در رابطه با اصل علت، تا آغاز دیدگاه مسلمانان، برای مطالعه واست و در کتاب به آن اشاره نشده است.

:

سوال؟

کانت تحت تأثیر چه کسی در صدد برآمد تا جایگاه اصل علت را حفظ کند و دلیل او برای این تلاش چه بود؟

پاسخ: کانت وقتی نظر هیوم در رابطه با اصل علت را مشاهده کرد سخت تحت تأثیر قرار گرفت و تلاش کرد جایگاه اصل علت را حفظ کند زیرا او می دانست:

الف- دانش بشر متکی به این اصل است

ب- دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل، در جست و جوی علل حوادث بر می آیند

سوال؟

دیدگاه کانت در رابطه با منشأ درک علت چیست؟

پاسخ: کانت بعد از تأملات فراوان به این نتیجه می رسد که «مفهوم علت» و «رابطه علت و معلول» جزء مفاهیم «پایه ای ذهن» است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است؛ یعنی «ساختار ذهن بشر» به گونه ای است که برخی مفاهیم، از جمله مفهوم علت و معلول را نزد خود دارد. به عبارت دیگر، دیدن اشیا به صورت علت و معلول، امری ذهنی (سوژکتیو) است.

توضیح: مثلاً: هنگامی که انسان می بیند خورشید طلوع می کند و زمین روشن می شود، در این پدیده طلوع خورشید در قالب «علت» قرار می گیرد و روشن شدن زمین در قالب «معلول»، و در این هنگام رابطه علت بین آن دو درک می شود

توجه:

سوژکتیو مربوط به امر ذهنی و ابژکتیو مربوط به امر عینی است

سوال؟

تفاوت دیدگاه کانت با آمپریست ها در رابطه با اصل علیت چیست؟

پاسخ: از نظر آمپریست ها علیت امری عینی و ابژکتیو است که متکی به حس است و کانت آن را امری سوپژکتیو و مربوط به ذهن می داند.

ب- دیدگاه فیلسوفان مسلمان در رابطه با منشأ درک علیت:

سوال؟

دیدگاه فیلسوفان مسلمان در باره اصل علیت چیست؟ چرا؟

پاسخ: فلاسفه مسلمان می گویند اصل علیت یک اصل و قاعده «عقلی» است و از تجربه به دست نمی آید بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه ای است و هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است

توضیح: یعنی این اصل از مهم ترین اصول و مبانی فلسفی علوم تجربی است. (برای اینکه داده های تجربی به شکل قانون علمی مطرح شوند تا بتوان گفت «همیشه» این پدیده به دنبال پدیده دیگر شکل می گیرد.

سوال؟

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره منشأ شکل گیری و درک رابطه علیت چیست؟

پاسخ: این فلاسفه منشأ اعتقاد به علیت را، اصل «امتناع اجتماع نقیضین» می دانند.

آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل «امتناع اجتماع نقیضین» شد، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا «این که چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که ، چیزی که نیست، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود آورد و این همان «اجتماع نقیضین» است که محال بودن آن بدیهی است.

توضیح بیشتر:

فلاسفه مسلمان می گویند: اگر چیزی نباشد، برای هست شدن باید فاعل یا علتی به او هستی دهد و خودش، بدون علت و خود به خود نمی تواند به وجود بیاید. یعنی چیزی که نیست بدون هیچ علتی هست شود که این جمع دو نقیض (هم نیست هم هست) است و محال می باشد پس برای موجود شدن چیزی حتماً نیاز به علت است زیرا وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود و یک چیز نمی تواند هم خودش باشد هم غیر خودش.

از نظر این فیلسوفان ، پس از شکل گیری ذهن کودک و درک اصل «امتناع اجتماع نقیضین» است که مثلاً وقتی صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت بر می آید؛ یعنی از این به بعد است که متوجه می شود حوادث خود به خود به وجود نیامده اند.

سوال؟

آیا این سینا دیدگاه هیوم در باره علیت «امر روانی ناشی از عادت ذهنی در توالی پدیده ها» را می پذیرد؟

پاسخ:

این سینا می گوید: آری درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست. لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گرا است ، نمی تواند از اصل علیت تبیین قانع کننده ای داشته باشد.

نکته : ابن سینا اصل علیت را اصلی عقلانی می داند.

تفاوت دیدگاه فلاسفه مسلمان با تجربه گرایان در رابطه شناخت «حوادث طبیعی» که محل وقوع آن عالم طبیعت است ، این است که «بعد از درک علیت»، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم

کشف علل «طبیعی» (عالم ماده) از راه حس و تجربه صورت می گیرد نه همه امور

خلاصه مقایسه دیدگاه ها در رابطه با اصل علیت:

الف- از فلاسفه اروپایی سه گروه 1- عقل گرا (دکارت غیر حسی و تجربی و امری فطری می داند)

2- حس گرا (آمپریست ها از طریق حس پی به توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها و از توالی به درک رابطه علیت می رسیم)

(هیوم حس گرا ، علیت فرا حسی است و از طریق توالی به علیت نمی رسیم و منشا اعتقاد به علیت امری روانی و ناشی از عادت ذهنی است.

3- هم معتقد به حس و هم عقل (کانت اصل علیت جز مفاهیمی ذهنی است)

4- فیلسوفان مسلمان اصلی عقلی است و منشا درک آن ، درک اصل (امتناع اجتماع نقیضین است)

سنخیت علت و معلول

پیش از تعریف این اصل به مثال زیر توجه کنید:

شما برای تهیه آب جوش سراغ گاز و برای تهیه آب سرد سراغ یخچال می روید؛ آیا شده است که بگویید می خواهم از یخچال آب جوش بردارم ؟

آیا شده است که بگویید می خواهم برای باسواد شدن ورزش کنم و برای یافتن قدرت جسمانی درس بخوانم؟

پاسخ حتما منفی است و شما معتقدید برای هر چیزی باید سراغ «علت خاص و ویژه» آن رفت نه هر علتی ؛

یعنی هر علتی معلول خاص خود را به دنبال دارد و هر معلولی از علت خاص خود به وجود می آید نه هر علتی ؛ به این اصل، «اصل سنخیت علت و معلول» می گویند که ما پس از پذیرش اصل علیت (هر حادثه علتی دارد)، به اصل سنخیت اذعان می کنیم.

سوالات این بخش

1- اصل سنخیت چیست توضیح دهید؟

پاسخ: انسان علاوه بر اینکه درک می کند هر حادثه ای علتی می خواهد، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علتی خاص صادر می شود و پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند.

2- به نظر فیلسوفان، مردم مطابق کدام اصل «رفتار» می کنند؟

پاسخ: فیلسوفان می گویند همه مردم طبق اصل «سنخیت علت و معلول» رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند و برای سلامتی ورزش می کنند و برای استحکام ساختمان از آهن و بتن استفاده می کنند.

3- آیا فیلسوفان این اصل را عقلی می دانند یا تجربی؟

پاسخ: فیلسوفان- به جز فیلسوفان تجربه گرا- می گویند که این اصل نیز مانند خود اصل «علیت» یک اصل عقلی است. (از طریق عقل درک می شود).

4- یکی از نتایج اصل سنخیت کدام است و لازمه آن چیست؟

پاسخ: یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار «انتظار آثار متناسب با خودش» را دارد؛ به همین سبب می کوشد ویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیا دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

5- برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، از کدام ابزار شناخت می توانیم کمک بگیریم؟

پاسخ: می توانیم از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی ، آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.

6- با پذیرش کدام اصل، نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی پیدا می کند؟

پاسخ: اصل سنخیت علت و معلول

5- اهمیت اصل سنخیت برای دانشمندان علوم طبیعی چیست؟

پاسخ:

دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛ آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجو می کنند تا به «علت ویژه» دست یابند.

اصل وجوب علی و معلولی

این اصل را با یک مثال توضیح دهیم.

شما قصد دارید در باغچه منزل گل بکارید؛ برای پیدایش گل نیاز به عوامل مختلفی است از جمله (آب- خاک- آفتاب- بذر مناسب و مراقبت) اگر یکی از این عوامل نباشد ، گل به وجود نمی آید.

توجه : همه عوامل با هم علت تامه و هر کدام به تنهایی که لازم هستند اما کافی نیستند، علت ناقصه است.

اما اگر همه عوامل باشد و گل نروید شما می گویید: «باید تا به حال می رونید»؛ این «باید» یعنی «ضروری و واجب» است؛ یعنی اگر علت تامه یک چیز حاضرشود واجب و ضروری است که معلول هم به وجود آید. طبق اصل (وجوب علی و معلولی).

یاد آوری مطالب قبل:

آموختیم که اشیا عالم خارج از ذهن، «ممکن الوجود بالذات» هستند یعنی نسبت به بودن و یا نبودن ، حالت تساوی دارند و برای هست شدن نیاز به علت

سوال ؟

به نظر ابن سینا چگونه وجود برای «ممکن الوجود بالذات» ضروری می شود؟

پاسخ: ابن سینا می گفت آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، «علت» است؛ معلول بدون علت امکان ذاتی دارد ؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به هستی و نیستی حالت تساوی دارد و با آمدن علت وجود معلول «ضرورت» می یابد و موجود میشود.

به عبارت دیگر: معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را داراست، توسط علت(غیر) «واجب الوجود» می شود و وجود می یابد، چنین واجب الوجودی را ؛ «واجب الوجود بالغیر» می نامند.

سوال؟

وجوب علی و معلولی چیست؟

آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، «علت» است. معلول با قطع نظر از علت، «امکان ذاتی» دارد یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است؛ با آمدن «علت» وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس علت به معلول خود «ضرورت وجود» می بخشد و معلول را موجود می کند؛ این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را «وجوب علی و معلولی» می گویند؛ یعنی اگر علت یک چیزی موجود شود، موجود شدن آن چیز را واجب می کند و ضرورت می یابد و آن چیز موجود می شود.

خلاصه دیدگاه ها

تجربه گرایان—علیت حاصل توالی پدیده هاست

کانت—علیت جز ساختار ذهن است

ابن سینا و پیروان او—چون انسان از جهت ذاتی ممکن است، نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او—چون انسان از جهت وجودی فقیر است، نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او—چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به علت دارد

تجربه گرایان—اصل علیت یک اصل تجربی است

عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان—اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است

برخی از آثار و نتایج اصول مربوط به علّیت:

1- با قبول اصل علّیت :

الف- به «ارتباط و پیوستگی» اجزای جهان پی می بریم و

ب- با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن هستیم

2- با قبول اصل وجوب بخشی علت به معلول:

الف- تخلف ناپذیری و «حتمیت» در نظام هستی

ب- جهان تابع رابطه ای «ضروری» است که اگر علت با تمام حقیقت خود (علت تامه) تحقق پیدا کرد، تحقق معلول حتمی و ضروری می شود

علت تامه: (تمام حقیقت) اگر تمامی عوامل پدید آورنده، حاضر باشند؛ مانند آب، خاک، نور، بذر مناسب و مراقبت، برای پیدایش یک گل (لازم و کافی برای به وجود آمدن معلول یعنی گل است)

علت ناقصه: اگر تنها یک یا چند عامل پدید آمدن شی حاضر باشد؛ مانند آب و خاک برای گل (فقط لازم برای تحقق معلول اما کافی نیست)

توضیح: برخی فکر می کنند علت می تواند موجود باشد و معلول تحقق نیابد؛ این گروه علت ناقصه را به جای علت تامه می گیرند که برای به وجود آمدن معلول لازم است اما کافی نیست و به تنهایی به وجود آورنده نخواهد بود.

3- اصل سنخیت میان علت و معلول

الف- نظم و قانون مندی میان پدیده ها

ب- ارتباط خاص و نظمی خاص - علت های خاص ، معلول های خاص

نکته قابل توجه:

ارتباط و پیوستگی - اصل علیت

ارتباط و پیوستگی حتمی و ضروری - اصل وجوب بخشی علت به معلول

ارتباط و پیوستگی خاص و معین - اصل سنخیت علت و معلول

پاسخ فعالیت ها

تفکر صفحه 14

پاسخ:

الف- اصولاً ساختار ذهن کودک علت یاب است بخش اعظم تفکر همان علت یابی است به عبارت دیگر انسان قدرت و توانایی تفکر و استدلال و یافتن علت ها و چگونگی ها را دارد و همین توانایی است که وقتی به کار می افتد، سبب کسب علم و دانش می شود .

ب- پرسش های کودک صرفاً تقلید از بزرگ تر ها نیست بلکه تربیت بزرگ تر ها سبب تقویت توانایی کودک در پرسشگری می شود نه اینکه اصل پرسشگری را در او به وجود آورد ؛ سوال از چگونگی ها و چرا ها در نهاد کودک هست.

ج- البته ساختار جهان نیز متناسب با این ذهن علت یاب کودک هست زیرا قانون علیت بر جهان حاکم است و برخی چیز ها علت برخی چیز های دیگرند.

مقایسه: صفحه 15

اشیا	نوع رابطه
فرزندان یک پدر و مادر با یکدیگر	رابطه بعد از وجود
زمین و اشیای روی آن	رابطه جذب (نیروی جاذبه)
استاد و شاگرد	تعلیم و تعلم
کارگر و کار فرما	کار کردن و دستور دادن
اجزای ساعت	رابطه نظم (همکاری و هماهنگی)

تفاوت اساسی این قبیل رابطه ها با رابطه علیت چیست؟

در همه این رابطه ها ، اجزا و اشیایی وجود دارند که با هم رابطه برقرار می کنند ، اما در رابطه علّیت، معلول وجود ندارد و علت به معلول وجود می دهد و آن را پدید می آورد.

تطبیق صفحه 17

دکارت که فیلسوفی عقل گرا بود و معتقد بود عقل انسان علاوه بر تجربه دانش های اولی هم دارد؛ بر آن مبنا در مورد علیت معتقد است که علیت از تجربه به دست نیامده و خود عقل آن را درک می کند. تجربه گرا ها نیز چون معتقدند که همه دانش ها از تجربه به دست می آید، می گویند که درک و پذیرش اصل علیت هم از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.

بنا بر این قانون علیت از نظر فلاسفه اسلامی یک قانون عقلی است و مادر زادی هم نیست و از طریق تجربه و درک توالی زمانی و مانند آن هم به دست نیامده است.

ابن سینا علاوه بر یک تبیین دقیق از علیت ، ناظر بر رفع اشکالی است که قرن ها بعد پایه فکری فیلسوفی مثل هیوم را تشکیل دادو حتی سبب بیداری کانت از خواب جزمی شده است. جالب و شگفت انگیز است که ابن سینا هم به «توالی» مورد نظر هیوم اشاره می کند و توضیح می دهد که این توالی به هیچ وجه منشأ اعتقاد به علیت در انسان نشده و هم به موضوع «عادت ذهنی» توجه می کند که هیوم آن را عامل پیدایش اصل علیت در انسان به شمار می آوردو این را هم ابن سینا مردود می شمارد.

بررسی صفحه 19

1- خیر با دقت در رفتار روزانه مشاهده می شود که تمامی رفتار بر اساس اصل سنخیت است .

مثلا سوار اتومبیل می شویم زیرا از اتومبیل انتظار سرعت بیشتر را داریم و و غذا می خوریم چون انتظار سیر شدن را داریم و...

1- کسی که تجربه گرای محض است در عمل نمی تواند از این نظر خود پیروی کند ، زیرا بنا بر اصل تجربه گرایی اگر تجربه گرا با پدیده ای جدید روبرو شود نمی تواند از این پدیده انتظار آثار خاصی داشته باشد اما در عمل این گونه نیست و همان فرد هم انتظار آثار خاص را دارد و این بیان گر آن است که اصل سنخیت ، یک اصل تجربی نیست.

3-بله «گندم از گندم بروید جو زجو»

بررسی صفحه 21

1- اگر کسی اصل علیت را انکار کند نباید انتظار داشته باشد که با خوردن آب عطش او بر طرف گردد ؛ نباید با دیدن یک پدیده کلمه «چرا» بگوید؛ تحقیق و جستجوی علمی را باید کنار بگذارد و دست خود را نباید تکان دهد و در حقیقت به هیچ کاری نباید دست بزند.

2- اگر کسی وجوب بخشی علت به معلول را انکار کند ، مانند این است که خود اصل علیت را انکار کرده است و تأثیری برای علت قائل نشده است و بودن و نبودن علت برای او یکسان است و در واقع علت نقش واقعی در پیدایش معلول خود ندارد.

3- اگر کسی اصل سنخیت را انکار کند، علاوه بر موارد بالا ، نمی تواند هیچ حادثه ای را پیش بینی کند و نمی تواند از هر موجودی آثار و لوازم خاص آن را انتظار داشته باشد و نمی تواند که برای پیدا کردن علل حوادث در کدام زمینه به جستجو بپردازد و اصولاً چنین شخصی باید منکر رشته های تخصصی در علوم شود ، زیرا شکل گیری دانش هایی مانند فیزیک، شیمی و زیست شناسی بدان معناست که میان پدیده های خاص روابط خاصی شکل می گیرد که ویژه آن پدیده هاست.

به کار ببندیم صفحه 21

1-

الف- وجود نظم و پیوستگی: نظم جهان نتیجه همان اصل سنخیت علی و معلولی است . اگر از هر چیزی هر چیزی پدید آید، هیچ نظم و ترتیبی وجود نخواهد داشت.

ب- امکان پیش بینی رخداد ها: این هم به علت قبول اصل سنخیت است. مثلاً با آمدن ابر انتظار آمدن باران را داریم.

ج- امکان پیشگیری از حادثه ها: چون می دانیم که مثلاً سیل باعث تخریب می شود، با ایجاد سد مانع سیل می شویم تا اثر سیل که تخریب خانه هاست اتفاق نیفتد. پس در این جا هم اصل سنخیت پذیرفته شده است.

د- امکان پژوهش و تحقیق: پژوهشگر هم چون انتظار دارد که از هر پدیده ای آثار خاصی مشاهده کند، تحقیق می کند تا آثار خاص هر پدیده را شناسایی کند.

ه- تنظیم امور زندگی: اینکه مثلاً انسان روز را برای کار و شب را برای استراحت قرار می دهد، بدان جهت است که شب آثار خود را دارد و روز آثار خود را.

و- به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش:

این هم بدان سبب است که پدیده های هم نوع و نزدیک به هم آثار نزدیک به هم دارند.

-2

الف- علیت حاصل توالی پدیده هاست- تجربه گرایان

ب- درک علیت درکی فطری است- دکارت

ج- چون انسان از جهت ذاتی ممکن است ، نیاز به علت دارد- ابن سینا و فلاسفه پیرو او و توماس آکوئینی

د- اصل علیت یک اصل تجربی است- تجربه گرایان

ه- اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است- عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان

3- این شعر ناظر بر اصل سنخیت علت و معلول است.

سوالات تست

1- در ارتباط با رابطه «معلم با دانش آموز» کدام گزینه درست است؟

1- رابطه فرع بر وجود دو طرف است 2- رابطه قائم بر هر دو طرف است

3- رابطه ای در وجود آن دو برقرار است 4- رابطه از سنخ روابط علی و معلولی است

2- کدام فیلسوف از فطری بودن اصل علیت در عقل انسان صحبت می کند؟

1- دکارت 2- ابن سینا 3- هیوم 4- ملاصدرا

3- دیوید هیوم در باره علیت می گوید: آنچه ما از طریق حس و تجربه ادراک می کنیم، است.

1- عادت روانی 2- توالی پدیده ها 3- رابطه علیت 4- تداعی ذهنی

4- از نظر کانت درک اشیا به صورت علت و معلول است.

1- عادات ذهنی 2- امری عینی 3- امری ذهنی 4- تداعی ذهنی

5- منظور از ابژکتیو و سوپژکتیو، به ترتیب چیست؟

1- ذهنی- عینی 2- علت- معلول 3- علی- تجربی 4- عینی- ذهنی

6- جمله «علل معین را معلول های معینی» است، بیانگر چه اصلی است؟

1- امتناع ترجیح بلا مرجح 2- قاعده علیت

3- سنخیت علت و معلول 4- وجوب علی و معلولی

7- از نظر فیلسوفان مسلمان اصل « امتناع ترجیح بلا مرجح » از اصل به دست می آید.

1- امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض 2- سنخیت علت و معلول

3- مغایرت وجود و ماهیت 4- علت و معلول

8- کدام گزینه دیدگاه تجربه گرایان در باره اصل علیت را نشان می دهد؟

1- علیت جز ساختار ذهن است 2- علیت حاصل توالی پدیده هاست

3- اصل علیت اصلی عقلانی است 4- علیت امری سوپرنکتیو است

9- تفاوت رابطه علیت با رابطه مانند کارگر و کارفرما چیست؟

1- وجود دو طرف رابطه در علیت، پیش از وجود رابطه است

2- وجود رابطه در علیت، پیش از دو طرف رابطه است

3- در علیت وجود رابطه با وجود دو طرف رابطه هم زمان است

4- در علیت با از بین رفتن رابطه دو طرف همچنان موجودند

10- کدام گزینه رابطه علیت محسوب نمی شود؟

1- تمام هستی و بخشی از واقعیت معلول با علیت تحقق می یابد

2- مطلقاً در هیچ رابطه دیگری وجود داد و ستد نمی شود

3- اگر علت نباشد معلول هم نمی تواند وجود داشته باشد

4- این رابطه نیازمندی معلول به علت در هستی خود است

11- کانت اصل علیت را امری می دانست، زیرا می گفت.....

1- عینی- ساختار ذهن ما به گونه ای است علیت را نزد خود دارد

2- ذهنی- از طریق تجربه است که مفهوم علت را در ذهن می سازیم

3- ذهنی- ساختار ذهن ما به گونه ای است که علیت را نزد خود دارد

4- عینی- از طریق تجربه است که مفهوم علیت را در ذهن می سازیم

12- کدام گزینه دیدگاه فیلسوفان مسلمان را در باره اصل علیت به درستی نشان می دهد؟

1- علیت چیزی نیست که بتوان آن را در پدیده های تجربی شناسایی کرد

2- به هیچ وجه نمی توان اصل علیت را از طریق شناخت تجربی به دست آورد

3- علیت قاعده ای عقلی است که از طریق توالی پدیده ها شناخته می شود

4- اصل علیت قاعده ای فطری است که توسط عقل و تجربه شناخته می شود

13- این که فیلسوفان مسلمان با استفاده از اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح» اثبات می کنند که هر حادثه نیازمند علت است، بیانگر چیست؟

1- پذیرش قاعده سنخیت علت و معلول توسط آن ها

2- عقلانی بودن اصل علیت و عدم وابستگی به تجربه

3- وجود روابط علی و معلولی میان قواعد فلسفی

4- عدم کاربرد اصل علیت در محیطه تجربه و حس

1- گزینه یک 2- گزینه یک 3- گزینه دو 4-گزینه سه 5-گزینه چهار 6- گزینه سه 7- گزینه یک 8- گزینه دو 9- گزینه سه 10-
گزینه یک 11- گزینه سه 12- گزینه دو 13- گزینه دو